

فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی کرمانشاه

سال سوم، شماره ۱۵، زمستان ۱۳۹۵، صص ۱-۲۳

بررسی فرایندهای تضعیف در گویش لری باغملک: واج‌شناسی خودواحد

عباسعلی آهانگر^۱

دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان

طاهره عزت‌آبادی‌پور^۲

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان

مصطفی سلیمانان^۳

دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام‌نور اهواز

چکیده

هدف نوشتار پیش رو توصیف و تحلیل برخی از فرایندهای واجی تضعیف شامل سایشی‌شدگی، همگونی، حذف و کشش جبرانی براساس اصول واج‌شناسی خودواحد، یعنی گسترش و قطع (مک‌کارتی، ۱۹۷۸) در گویش لری باغملک است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی است. به‌منظور انجام پژوهش حاضر، ده مرد ۶۰ تا ۶۵ ساله و چهار زن ۵۰ تا ۵۵ ساله کم‌سواد و روستایی به‌صورت تصادفی انتخاب شدند و داده‌های زبانی با استفاده از ضبط گفتار آزاد، مصاحبه با آن‌ها و منابع کتابخانه‌ای موجود در ارتباط با گویش لری باغملک جمع‌آوری شد؛ سپس اطلاعات جمع‌آوری‌شده با استفاده از الفبای آوانگار بین‌المللی (آی‌پی‌ای) آوانویسی و فرایندهای واجی موجود در آن‌ها براساس تقسیم‌بندی کول (۲۰۰۷) استخراج و طبقه‌بندی شدند. سرانجام، تحلیل قواعد براساس اصول واج‌شناسی خودواحد شامل گسترش و قطع صورت گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که فرایند گسترش در قالب فرایندهای سایشی‌شدگی و همگونی و فرایند قطع فقط در قالب حذف همخوان تحقق می‌یابد. درنهایت، بررسی و تحلیل داده‌ها نشان داد واج‌شناسی غیر خطی خودواحد، از کفایت توضیحی لازم برای تبیین و بازنمایی فرایندهای واجی سایشی‌شدگی، همگونی، حذف و کشش جبرانی در گویش لری باغملک برخوردار است.

کلیدواژه‌ها: واج‌شناسی خودواحد، تضعیف، گسترش، قطع، گویش لری باغملک.

ahangar@english.usb.ac.ir

ezatabadit@gmail.com

Mustafasolemania@gmail.com

۱- پست الکترونیکی نویسنده مسئول:

۲- پست الکترونیکی:

۳- پست الکترونیکی:

۱- مقدمه

زبان، لهجه و گویش از مفاهیم بسیار اساسی و پرکاربرد در زبان‌شناسی است؛ افزون بر این، با توجه به تنوع زبانی در ایران و اهمیت مطالعه زبان‌ها و گویش‌ها، توصیف آن‌ها از اولویت‌های مطالعات زبانی است. قوم لر، از جمله اقوام کهن ایرانی است که در نواحی غرب ایران در دامنه‌های زاگرس در استان‌های کنونی لرستان، خوزستان، کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری و قسمتی از استان اصفهان سکونت دارد. گویش باغملک یکی از گویش‌های لری ساکنان شهرستان باغملک در شرق استان خوزستان است. باغملک دارای سه بخش به نام‌های بخش مرکزی، بخش صیدون و بخش میداوود است. این گویش خود به دو گویش لری بختیاری (جانکی) و لری بهمئی تقسیم می‌شود. گویش لری بختیاری (جانکی)، گویش غالب در بخش مرکزی این شهرستان است (کریمی، ۱۳۹۵: ۳۱). بارانی (۱۳۹۱) معتقد است که گویش‌های لری، از نزدیک‌ترین گویش‌های ایرانی به زبان فارسی بوده و واژه‌های آن شباهت بسیاری با زبان فارسی دارد.

بر اساس دیدگاه کلباسی (۱۳۸۸: ۳۵) در نمودار زبان‌های ایرانی این گویش از گویش‌های شاخه جنوب غربی زبان‌های ایرانی نو و خواهر زبان فارسی است و با آن ریشه مشترک دارد. بیشتر پژوهش‌گران، لری را گویش در نظر می‌گیرند؛ برای مثال، دبیرمقدم (۱۳۹۳) در مورد زبان‌های ایرانی هیچ اشاره‌ای به لری به مثابه زبان نکرده است؛ همچنین جم و ذلقی (۱۳۹۲)، رضایی و امانی بابادی (۱۳۹۲)، محمدابراهیمی و م. عبدی (۱۳۹۱) و کرد زعفرانلو کامبوزیا و دیگران (۱۳۹۱) لری را به منزله گویشی از زبان فارسی در نظر گرفته‌اند.

پژوهش حاضر برخی از مهم‌ترین فرایندهای واجی تضعیف^۴ نظیر سایشی‌شدگی^۵، همگونی^۶، حذف^۷ و کشش جبرانی در گویش لری باغملک را بررسی، توصیف و تحلیل می‌کند. تضعیف نوعی ساده‌سازی در زبان‌ها است. در فرهنگ کریستال^۸ (۲۰۰۸: ۱۴۳) آواهای تولیدشده، با نیروی تنفسی و قدرت ماهیچه‌ای بیشتر، قوی و آواهای تولیدشده با نیروی تنفسی و قدرت ماهیچه‌ای کمتر تضعیف نام دارند. آواهای بی‌واک، قوی و آواهای واک‌دار، ضعیف هستند. در تضعیف، نیروی ماهیچه‌ای و جریان هوا ضعیف می‌شود، مانند تبدیل آواهای بی‌واک به واک‌دار. این دو فرایند در تغییرات آوایی چه به لحاظ

-
4. lenition
 5. spirantization
 6. assimilation
 7. deletion
 8. D.Crystal

تاریخی و چه به‌لحاظ هم‌زمانی مشاهده می‌شود. براساس نظر ینسن^۹ (۲۰۰۴: ۶۵)، تضعیف بیشتر بین دو واکه صورت می‌گیرد و می‌توان آن را نوعی فرایند همگونی دانست که در آن بست انسدادی با درجه بست آوای مجاور همگون می‌شود.

کول^{۱۰} (۲۰۰۷: ۱۶۰) نیز قواعد تضعیف را به این ترتیب نام برده است: التقای واکه‌ها^{۱۱}، سایشی‌شدگی، ناسوده‌شدگی، تشدیدزدایی^{۱۲}، حذف واحد واجی، زنشی‌شدگی^{۱۳}، کامی‌شدگی^{۱۴}، کاهش خوشه یا ساده‌سازی^{۱۵} کوتاه‌شدگی^{۱۶}، کشش جبرانی^{۱۷}، مرکزی‌شدگی^{۱۸} نرم‌کامی‌شدگی^{۱۹}، واکه‌ای‌شدگی و خیشومی‌شدگی^{۲۰}.

درباره گویش لری باغملک، در حدّ اطلاع نگارندگان، تاکنون هیچ پژوهش واج‌شناختی انجام نشده است. باوجود این، برخی از پژوهش‌ها در زبان فارسی براساس نظریه واج‌شناسی خودواحد انجام شده است. پرمون (۱۳۷۶) شواهدی واقعی از نظام آوایی یک نظام زبانی طبیعی و زنده، در چارچوب نظریه‌های خطّی و غیر خطّی غالب در واج‌شناسی امروز را ارائه داده و فرایندهای کشش واکه و فرایند مرکزی‌شدگی در گویش کرمانی در چارچوب واج‌شناسی غیر خطّی را بررسی کرده است. صادقی (۱۳۷۹) با استفاده از مبانی نظری واج‌شناسی خودواحد، کوشیده است تحلیل‌هایی کارآمدی از عناصر واجی و نیز فرایندهای واجی همگونی، کاهش و ناهمگونی گویش فارسی تهرانی ارائه کند. کرد زعفرانلو کامبوزیا (۱۳۷۹) به ارائه تاریخچه و پیشینه مفصّلی از واج‌شناسی خودواحد و چگونگی گسترش و استفاده از آن در فرایندهای واجی و مقایسه بازنمایی‌های خطّی و غیر خطّی پرداخته، سپس با استفاده از اصول واج‌شناسی خودواحد، فرایندهای واجی همچون همگونی، کشش جبرانی، هجاسازی مجدد، فرایندهای کوتاه‌شدگی، درج، حذف و تشدید را در زبان فارسی تحلیل کرده است. پوراصفهان‌ی و فاتحیان (۱۳۸۹) برخی از فرایندهای واجی رایج در گویش مشهدی، مهدوی (۱۳۸۹)

9. J. T. Jensen

10. M. Kul

11. hiatus

12. degemination

13. flapping

14. palatalized

15. simplification

16. shortening

17. compensatory lengthening

18. centralized

19. velarized

20. nasalized

فرایند همگونی واجی در گویش اصفهانی، خلیفه‌لو و دلارامی‌فر (۱۳۹۴) خوشه دوهمخوانی آغازین در گویش سیستانی و میکده (۱۳۹۵) فرایندهای واجی همخوانی در گویش فریمانی را براساس واج‌شناسی خودواحد بررسی کرده‌اند.

۲- روش پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی است. پژوهش‌گران در چارچوب اصول و روش‌های نظریه واج‌شناسی خودواحد فرایندهای تضعیف همخوان‌ها در گویش لری باغملک را بررسی کرده‌اند. در این راستا، ده مرد ۶۰ تا ۶۵ ساله و چهار زن ۵۰ تا ۵۵ ساله کم‌سواد و روستایی به‌صورت تصادفی انتخاب شده‌اند و داده‌های زبانی با استفاده از ضبط گفتار آزاد و مصاحبه با آن‌ها و منابع کتابخانه‌ای موجود در ارتباط با گویش لری باغملک جمع‌آوری شده‌اند. با وجود بومی بودن یکی از پژوهش‌گران، به‌منظور درک کامل گفتار گویش مورد بررسی و ایجاد گفت‌وگوی طبیعی‌تر، پژوهش‌گر بومی، به برقراری ارتباط با گویشوران گویش خود و هدایت مصاحبه‌ها پرداخته است. در این مصاحبه افزون بر ضبط گفتار آزاد، فهرستی از واژه‌های مختلف به مصاحبه‌شونده‌ها داده شد و صدای آن‌ها با ام‌پی‌تری پلیس ضبط شد؛ سپس، پس از اطمینان از صحت داده‌ها، داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از الفبای آی‌پی‌ای^{۲۱} آوانویسی و فرایندهای واجی موجود در آن‌ها استخراج و طبقه‌بندی شدند؛ همچنین برای مقایسه صورت تاریخی این داده‌ها با گویش لری باغملک در هریک از جدول‌ها ستونی به نام زبان پهلوی درج شده است که داده‌های آن، از فرهنگ کوچک زبان پهلوی (مکنزی^{۲۲}، ۱۳۷۹) و همچنین فرهنگ تطبیقی - موضوعی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نو (حسن‌دوست، ۱۳۸۹) استخراج شده است. تلفظ صورت پهلوی داده‌ها، همان‌گونه که در این دو فرهنگ نوشته شده، ذکر و واژه‌هایی که معادل آن‌ها در این دو فرهنگ یافت نشده با علامت سؤال (؟) و آن دسته از واژه‌هایی که صورت پهلوی آن‌ها با فارسی معیار تفاوت دارد، با علامت ستاره (*) مشخص شده است؛ سپس تحلیل قواعد، براساس تقسیم‌بندی کول (۲۰۰۷) در مورد فرایند تضعیف و تقویت و دو اصل واج‌شناسی خودواحد یعنی گسترش و قطع مک‌کارتی^{۲۳} (۱۹۸۸) صورت گرفت.

۳- چارچوب نظری پژوهش

یکی از نظریات رایج در مکتب واج‌شناسی غیر خطی، نظریه لایه‌ای یا خودواحد است که نخستین بار

21. IPA

22. D. N MacKenzie

23. J. McCarthy

گلداسمیت^{۲۴} (۱۹۷۶) برای توصیف نواخت در زبان‌های نواختی به‌کار برد. در این نظریه، مشخصه‌ها به‌صورت دسته‌هایی بر روی لایه‌های مختلف در نظر گرفته می‌شوند و علت حضور چندین مشخصه بر روی یک لایه، وجود ویژگی مشترک در آن‌هاست. واج‌شناسی خودواحد در برابر واج‌شناسی معیار^{۲۵} قرار دارد که انگاره‌ای خطی محسوب می‌شود. بیان مشکلات الگوی معیار از سوی زبان‌شناسانی چون کلمنتس^{۲۶} (۱۹۸۵)، هله^{۲۷} (۱۹۹۲) و کنستوویچ^{۲۸} (۱۹۹۴) در مورد مشخصه‌های واجی مطرح شد، یکی از این مشکلات، ناکارآمدی این مدل در تبیین بعضی از جنبه‌های نظام‌های آوایی است. پیروان واج‌شناسی خودواحد معتقدند که مدل زایشی نمی‌تواند آنچه را که از نظام واجی، در ذهن سخنگویان زبان معینی وجود دارد به‌درستی نشان دهد (کنستوویچ و کیسه‌برت^{۲۹}، ۱۹۷۹: ۳۲۵). ناکارآمدی دیگر این است که این نظریه نمی‌تواند توضیح‌دهنده یک‌سری از فرایندهای واجی همچون همگونی باشد و مشخص کند که به چه علت، مشخصه‌های خاصی در فرایندهای همگونی باهم به‌کار رفته‌اند، در این میان از درخت مشخصه‌ها صحبت به‌میان آمد (کلمنتس، ۱۹۸۵، نقل از کنستوویچ، ۱۹۹۴: ۱۵۵) و نشان داد که گاهی همگونی در بیش از یک مشخصه صورت می‌گیرد.

نکته اصلی در نظریه گلداسمیت این است که به‌طور کلی پارامترهای تولیدی گوناگون مانند دمش، خیشومی‌شدگی، واک، نواخت و... خودمختار^{۳۰} هستند و در جریان گفتار به‌طور مستقل عمل می‌کنند. به‌خاطر همین اصل است که واج‌شناسی خودواحد را به تعبیری واج‌شناسی جزء مستقل نیز نامیده‌اند؛ بنابراین «یک مزیت دیدگاه خودواحد آن است که بازنمایی خودواحد ارتباط «یک به چند» میان مشخصه‌ها و جایگاه‌ها را در زنجیره میسر می‌سازد.» (کنستوویچ، ۱۹۹۴: ۳۵۳). کلمنتس (۱۹۸۵) نیز مدعی شد که مشخصه‌های واجی دارای ساختاری چندلایه و سلسله‌مراتبی هستند. وی در ادامه روند واج‌شناسی خودواحد، ساختار درونی بزرگ‌تری را درون واحدهای واجی در نظر می‌گیرد. اولین لایه در این الگو، لایه ریشه است که همچون لنگری دیگر لایه‌ها را در کنار هم نگه می‌دارد. لایه ریشه می‌تواند به یک همخوان یا یک واکه در لایه واکه همخوان یا به یک لایه زمان‌مند متصل باشد (کرد زعفرانلو کامبوزیا، ۱۳۸۵: ۸۹).

24. J. Goldsmith

25. Sound Pattern of English

26. G. N. Clements

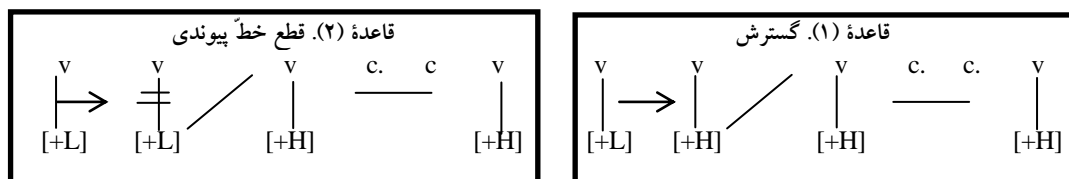
27. M. Halle

28. M. Kenstowicz

29. C. Kisseberth

30. autonomous

مک‌کارتی (۱۹۸۸: ۸۸) دو عمل و دو محدودیت را در واج‌شناسی غیر خطی نام می‌برد: گسترش یا افزودن خطوط پیوندی که به مفهوم سستی «همگونی» است و قطع خطوط پیوندی که به مفهوم سستی «حذف» است.

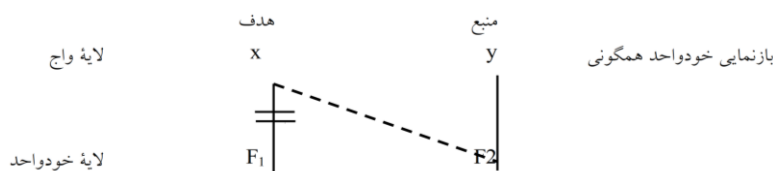


و دو محدودیت به شرح ذیل: ۱- قاعده‌های خطوط پیوندی: خطوط پیوندی نباید یکدیگر را قطع کنند؛ ۲- اصل مرز اجباری^{۳۱}: دو خودواحد یکسان نمی‌توانند مجاور هم باشند (مک‌کارتی، ۱۹۸۸: ۸۸).

قواعد همگونی و حذف، تعاریفی هستند که در انگاره معیار مطرح شده‌اند، اما در واج‌شناسی خودواحد عمل‌های غیر خطی «گسترش» و «حذف» خطوط پیوندی، مطرح می‌شوند.

زبان‌شناسان همگونی را یکی از رایج‌ترین فرایندهای واجی می‌دانند که در آن یک آوا به آوای مجاور شبیه می‌شود. مک‌کارتی (۱۹۸۸) همگونی را گسترش یک مشخصه بر حوزه‌ای وسیع‌تر از یک واج می‌داند. همگونی متعلق به حوزه توانش زبانی است که با قواعد واجی توجیه می‌شود و به تغییراتی اشاره می‌کند که در مشخصه‌ها صورت می‌گیرد؛ بنابراین فرایندهای همگونی، بخشی از دستور خاص زبان محسوب می‌شوند، هرچند که در همه زبان‌ها دیده می‌شوند (هاردکاسل و لی‌ور^{۳۲}، ۱۹۹۷: ۲۷۶). کرد زعفرانلو کامبوزیا (۱۳۸۵: ۱۷۶) نیز همگونی را یکی از متداول‌ترین انواع فرایندهای واجی می‌داند که کمابیش در تمام زبان‌های دنیا، پدیده‌ای رایج محسوب می‌شود. وی می‌افزاید در همگونی، یک واحد واجی به واحد واجی دیگر در یک یا چند مشخصه شبیه می‌شود. وی همگونی را «گسترش» مشخصه(های) عنصر واجی منبع به عنصر واجی هدف و هم‌زمان با آن «حذف» مشخصه(های) عنصر واجی هدف تعریف می‌کند و قاعده کلی آن را به صورت زیر نشان می‌دهد:

بازنمایی (۱)



31. Obligatory Contour Principle

32. W. J. Hardcastle & J. Laver

در بازنمایی (۱)، نمادهای X و Y در لایه واج، نشان‌دهنده عناصر واجی هستند و نمادهای F_1 و F_2 مشخصه‌های هر کدام از عناصر واجی را نشان می‌دهند که در لایه خودواحد قرار دارند. خط‌چین گسترش یک مشخصه خودواحد را بازنمایی می‌کند که هم‌زمان با گسترش مشخصه منبع، مشخصه هدف قطع می‌شود، در این فرایند، مشخصه زیرساختی «هدف» تغییر می‌کند.

فرایند حذف از دیدگاه واج‌شناسی خودواحد، منجر به قطع یکی از مشخصه‌های واجی در یک واج می‌شود. گاهی واج برای جبران آن مشخصه، به مشخصه‌ای در اطراف خود پیوند می‌خورد، مانند آنچه در فرایند گسترش مشاهده شد و گاه پیوندی به مشخصه‌های اطراف آن صورت نمی‌گیرد که در این حالت واج به‌طور کامل حذف می‌شود و فرایند قطع رخ می‌دهد. لازم است گفته شود که یکی از محدودیت‌های نظریه واج‌شناسی خودواحد، اصل مرز اجباری است که براساس این محدودیت، همجواری عناصر یکسان ممنوع است. هاروکا^{۳۳} (۱۹۹۹) براساس ییپ^{۳۴} (۱۹۸۸) زبان‌ها را از لحاظ تأثیر اصل مرز اجباری بر مشخصه‌ها به چهار رده طبقه‌بندی کرده است. رده (۱) زبان‌هایی که اصل مرز اجباری را نقض می‌کنند. رده (۲) زبان‌هایی که اصل مرز اجباری را نقض نمی‌کنند و مشخصه‌ها در هم ادغام می‌شوند (فرایندهای همگونی و ناهمگونی روی می‌دهد). رده (۳) زبان‌هایی که اصل مرز اجباری را نقض نمی‌کنند و حذف مشخصه و درج مشخصه‌ها هم‌زمان رخ می‌دهد (فرایند ناهمگونی روی می‌دهد). رده (۴) زبان‌هایی که اصل مرز اجباری را نقض نمی‌کنند و حذف مشخصه منجر به حذف واحد آوایی می‌شود (فرایند حذف صورت می‌گیرد).

۴- توصیف و تحلیل داده‌ها

در این بخش، ابتدا رخداد فرایند گسترش از دیدگاه واج‌شناسی خودواحد در گویش لری باغملک توصیف و سپس فرایند قطع و عملکرد آن در این گویش براساس واج‌شناسی خودواحد بررسی می‌شود.

۴-۱- توصیف و تحلیل داده‌ها براساس فرایند گسترش

این بخش تعدادی از فرایندهای تضعیف در گویش لری باغملک را که تحت تأثیر فرایند گسترش قرار می‌گیرند و با بسامد بالاتری در گویش لری باغملک رخ می‌دهند، به‌صورت زیربخش‌های مجزا بررسی می‌کند.

33. F. Haruka

34. M. Yip.

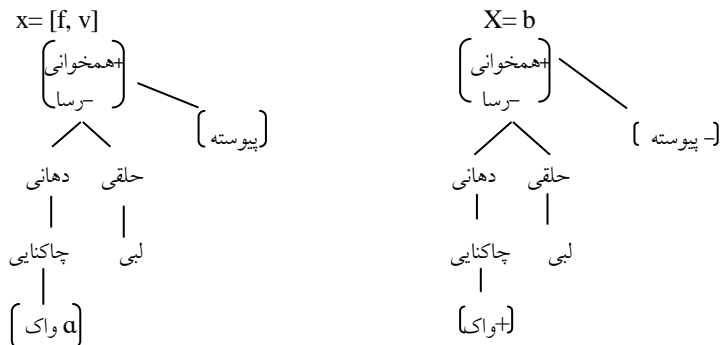
۴-۱-۱- سایشی شدگی

فرایندی را که در آن همخوان‌های انسدادی به همخوان‌های سایشی تبدیل می‌شوند، سایشی شدگی می‌نامند.

جدول (۱). فرایند سایشی شدگی همخوان انسدادی

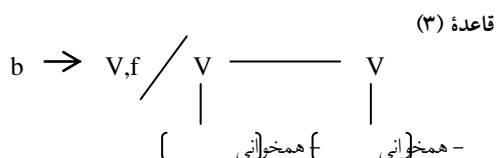
صورت نوشتاری	زبان پهلوی	واج نویسی	آوانویسی	صورت نوشتاری	زبان پهلوی	واج نویسی	آوانویسی لری
نبات	*	/næbat/	[nævat]	ادب	?	/ædæb/	[ʔædæv]
سبک	sæbuk	/sæboc/	[sevec]	حساب	*	/hesab/	[hesav]
بی‌خبر	*	/bixæbær/	[bixævæ]	شعبان	?	/ʃæʔban/	[ʃæ:von]
غریبه	*	/ʎæribæ/	[ʎærivæ]	کتابم	?	/cetabæm/	[ketavom]
روباه	rōbāh	/rubah/	[ruvæ]	گلاب‌پاش	?	/golabpaʃ/	[golavpaʃ]
صابون	?	/sabun/	[sowin]	ضبط	?	/zæbt/	[zæft]
تبر	?	/tæbær/	[tuvær]	ثبت	?	/sæbt/	[sæft]
سبیل	?	/sebil/	[sevil]	ثبت‌نام	?	/sæbtenom/	[sæftenom]
تابه	?	/tabe/	[tavæ]	پاروب	?	/parub/	[paruf]
آبستن	?	/ʔabestæn/	[ʔavesæn]	سرکوب	?	/særkub/	[særkuft]
غریب	?	/ʎærib/	[ʎæriv]	جاروب	Gyāg-rōb	/dʒarub/	[dʒaruf]
محراب	?	/mehrab/	[me:rav]	طناب	*	/tænab/	[tænaf]
جوراب	?	/dʒurab/	[dʒurav]	برف‌روب	?	/bærf rub/	[bærf ruf]

بازنمایی (۲)



همان‌گونه که در بازنمایی (۲) مشاهده می‌شود، تفاوت این واج‌ها در مشخصه نحوه تولید پیوسته است. از آنجاکه فرایند تضعیف یا نرم‌شدگی پدیده عام زبانی است که منطبق بر اصل کم‌کوشی نیز

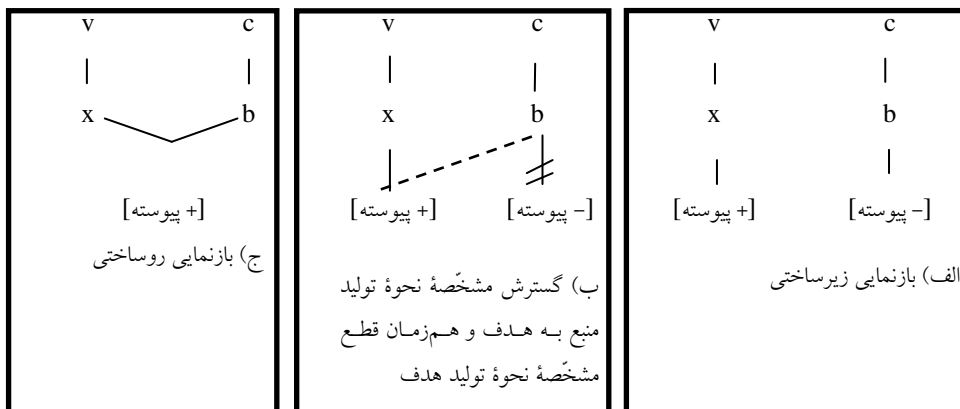
هست و تولید سایشی از انسدادی آسان‌تر است، پس می‌توان فرض کرد که صورت زیرساختی /b/ باشد. همان‌طور که در نمونه‌های جدول (۱) مشاهده می‌شود، در هر سه موضع آغازین، پایانی و میانی واج /b/ حداقل با یک واکه هم‌نشین (مجاور) است. مشخصه نحوه تولید پیوسته، ذاتی واکه‌ها است؛ بنابراین این مشخصه می‌تواند به صورت خودواحد درآمده و در لایه‌ای جداگانه قرار گیرد و از واکه به واج /b/ گسترده شود و آن را به واج‌های [v و f] تبدیل کند.



قاعده (۳) نشان می‌دهد که همخوان /b/ در محیط بین دو واکه یا پس از واکه به همخوان سایشی /v/ تبدیل

می‌شود.

بازنمایی (۳)



در بازنمایی (۳) X نشان‌دهنده هر واکه‌ای است.

بازنمایی (۳) را می‌توان برای حالتی که واج /b/ در جایگاه میان‌واکه‌ای واقع شده است، نیز ارائه داد. اما این موضوع در موضع آغازین منطبق بر اصول زبان‌شناسی مرزگذر به‌نظر نمی‌رسد؛ زیرا به‌طور معمول فرایند تضعیف در مواضع میان دو واکه و پس از واکه رخ می‌دهد و موضع آغازین جایگاه تقویت است؛ بنابراین باید در این مورد به‌دنبال تحلیل کارآمدتری بود.

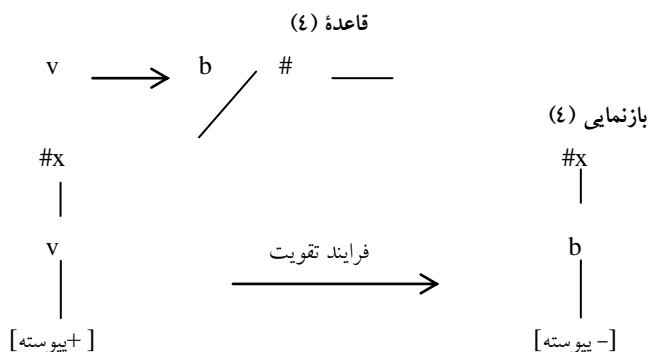
با جستجوی تاریخی، نمونه‌هایی از زبان پهلوی میانه به‌دست آمد که در آن‌ها بعضی از کلمات

ذکر شده در جدول (۲) و کلماتی نظیر آن‌ها با /v/ آغاز می‌شوند.

جدول (۲). تبدیل همخوان /v/ از زبان پهلوی به همخوان [b] در فارسی نوین

پهلوی	فارسی نوین	پهلوی	فارسی نوین
vavær	باور	vārūn	باران
værtæk	برده	vat	باد
væhif̥t	بهشت	vēnīg	بینی
vīst	بیست	Vēvæk	بیوه
vavær	باور	Værg	برگ

با دقت در داده‌های جدول (۲) مشاهده می‌شود که صورت‌های قدیمی‌تر دارای واج /v/ و صورت‌های جدید دارای واج /b/ هستند؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که این کلمات در زیرساخت دارای واج /v/ بوده‌اند که در گذر زمان تحت تأثیر فرایند تقویت در موضع آغازین به /b/ تبدیل شده‌اند.



در قاعده و بازنمایی (۴) نماد # نشان‌دهندهٔ مرز کلمه است.

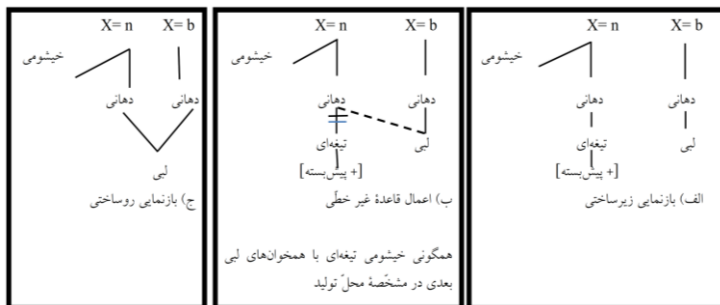
۴-۲- همگونی همخوان با همخوان

در این قسمت فرایند همگونی همخوان با همخوان در گویش لری باغملک در چارچوب نظریهٔ خودواحد بررسی می‌شود.

۴-۲-۱- همگونی جایگاه تولید

در بسیاری از زبان‌ها از جمله فارسی، خیشومی /n/ در مشخصهٔ محلّ تولید با همخوان دهانی پس از خود در مشخصهٔ محلّ تولید لبی همگون می‌شود. این نوع همگونی، به‌طور معمول درون هجا، در مرز دو هجا، در دو تکواژ یا دو کلمه دیده می‌شود. در واج‌شناسی خودواحد، مشخصه‌های واجی، بر مبنای حرکت اندام‌های گویایی فعال در دستگاه گفتار صورت‌بندی می‌شوند (کرد زعفرانلو کامبوزیا، ۱۳۸۵: ۱۷۱). در جدول (۳) نمونه‌هایی از همگونی /n/ به همخوان خیشومی /m/ آورده شده است.

بازنمایی (۶)



۴-۲-۲- همگونی در مشخصه واکداری

جدول (۴). همگونی در مشخصه واکداری

صورت نوشتاری	زبان پهلوی	واحد نویسی لری باغملک	آوانویسی لری باغملک	صورت نوشتاری	زبان پهلوی	واحد نویسی لری باغملک	آوانویسی لری باغملک
وقت	?	/væqt/	[væχt]	سقط	*	/seqt/	[seχt]
سقف	*	/sæqf/	[sæχf]	نقش	?	/næqf/	[næχf]
نقشه	?	/næqfe/	[næχfe]	تقصیر	tāg	/tæqsir/	[tæχsir]

قاعده خطی این فرایند بدین صورت است:

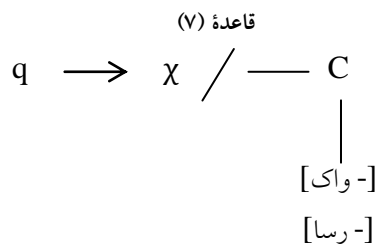
قاعده (۶)

$$q \rightarrow \chi / _ \left(\begin{array}{c} \# \\ \$ \\ t, s, f, f \end{array} \right)$$

قاعده بالا بیان‌گر تبدیل همخوان انسدادی، ملازی و واکدار /q/ به همخوان سایشی، ملازی و بی‌واک [χ] در محیط پایانه هجا یا پایان واژه، پس از واکه و در مجاورت با همخوان‌های غیر رسا و بی‌واکی مانند /t/، /s/، /f/ و /f/ است.

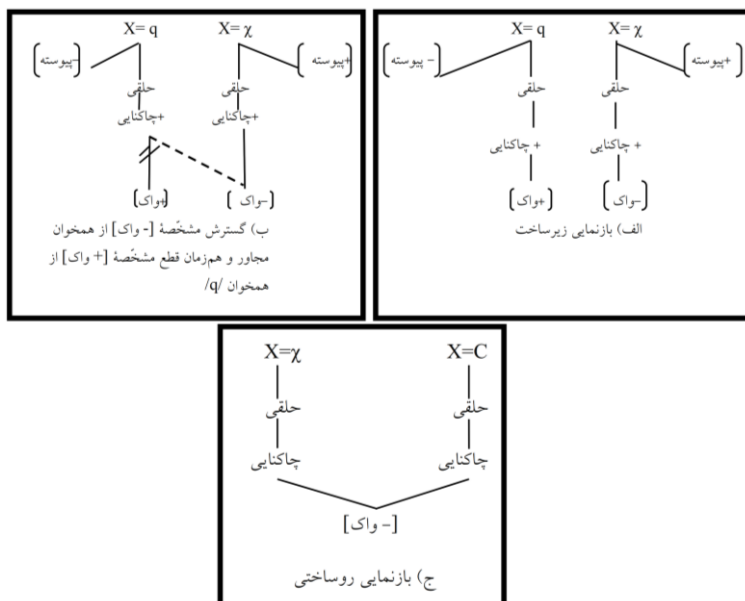
داده‌های ارائه‌شده در جدول (۴) نشان‌دهنده این است که هنگامی که دو همخوان گرفته در مجاورت هم قرار می‌گیرند، در برخی زبان‌ها گرایش شدید به همگونی و دگرگونی در آن‌ها وجود دارد، در واژه‌های گویش لری باغملک در جدول (۴)، همخوان ملازی و واکدار [q] در مجاورت با همخوان‌های گرفته و بی‌واکی مانند /t/، /s/، /f/ و /f/ به همخوان ملازی و بی‌واک [χ] تبدیل شده است. با توجه به واژه‌های جدول (۴) می‌توان گفت، این فرایند به‌طور هم‌زمان اتفاق افتاده است: الف) هر دو همخوان گرفته پایانی در مشخصه واک مانند هم می‌شوند. به این صورت که همخوان‌های گرفته و

بی‌واک /t/، /s/، /f/ و /ʃ/ مشخصه بی‌واکی را به همخوان مجاورش، یعنی همخوان انسدادی، ملازی و واک‌دار /q/ گسترش می‌دهند و در مشخصه واک فرایند همگونی صورت می‌گیرد. (ب) در مشخصه نحوه تولید میان همخوان‌های /t/، /s/، /f/ یا /ʃ/ با /q/ فرایند سایشی شدگی که نوعی تضعیف است، مشاهده می‌شود. در داده‌های ارائه‌شده در جدول (۴)، یک همخوان از نظر واک‌داری به همخوان دیگر شباهت پیدا می‌کند. در این همگونی مشخصه [-واک] از همخوان‌های /t/، /s/، /f/ و /ʃ/ به همخوان واک‌دار /q/ گسترده می‌شود. در واقع مشخصه [-واک] به صورت خودواحد عمل کرده و در لایه مستقل جای می‌گیرد. قاعده همگونی در داده‌های بالا را می‌توان به صورت خطی زیر نشان داد:



قاعده بالا نشان می‌دهد که همخوان /q/ در اثر همنشینی با یک همخوان بی‌واک به همخوان [χ] تبدیل می‌شود؛ به بیان دیگر، واک‌رفتگی /q/ به سبب مجاورت با همخوان بی‌واک است. بازنمایی غیر خطی این قاعده از صورت زیرساختی تا روساختی به صورت زیر خواهد بود:

بازنمایی (۷)



از بررسی بازنمایی (۷) مشخص می‌شود که مشخصه [-واک] به صورت خودواحد درآمده و در لایه‌ای مستقل قرار گرفته است.

۴-۳- همگونی همخوان با واکه

در این قسمت فرایند همگونی همخوان با واکه در گویش لری باغملک در چارچوب نظریه خودواحد بررسی می‌شود.

۴-۳-۱- همگونی جایگاه تولید

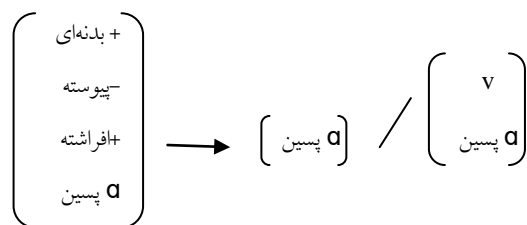
جدول (۵). همگونی جایگاه تولید

آوانویسی لری باغملک	واحنویسی لری باغملک	زبان پهلوی	صورت نوشتاری	آوانویسی لری باغملک	واحنویسی لری باغملک	زبان پهلوی	صورت نوشتاری
[gur]	/gur/	gōr	گور	[kur]	/kur/	kōr	کور
[gowri]	/gari/	?	گاری	[kar]	/kar/	kār	کار
[Jæda]	/geda/	?	گدا	[kord]	/kord/	?	گُرد
[Jir]	/gir/	?	گیر	[ci]	/ki/	kēš	کیش
[Jælæ]	/gæleh/	*	گله	[cerman]	/kerman/	?	کرمان
[Jelæ, Jele]	/gele/	gilæg	گله	[cærim]	/kærim/	?	کریم

یکی از موارد همگونی در یک مشخصه، همگونی همخوان‌های انفجاری بدنه‌ای با واکه بعدی در مشخصه [پسین] است. همخوان‌های /g/ و /k/ در فارسی بدنه‌ای هستند و در سطح آوایی با دو واجگاه پیشکامی و پسکامی تولید می‌شوند. جفت پیشین با نشانه‌های [c] و [ʃ] و جفت پسین با نشانه‌های [k] و [g] نمایش داده می‌شود. در گویش لری باغملک مانند فارسی معیار جفت پیشین قبل از واکه‌های پیشین /æ, e, i/ و همچنین قبل از دیگر همخوان‌ها و نیز در پایان واژه واقع می‌شوند و جفت پسین قبل از واکه‌های پسین /a, o, u/ قرار می‌گیرند.

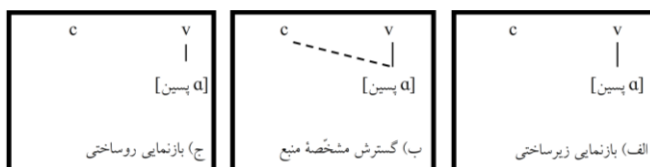
قاعده خطی این فرایند به صورت زیر است:

قاعده (۸)



قاعدهٔ بالا نشان می‌دهد که همخوان‌های کامی در زیرساخت نسبت به مشخصهٔ [پسین] ختشی هستند و بافت مشخص می‌کند که در روساخت نسبت به مشخصهٔ [پسین] چه علامتی داشته باشند. در بازنمایی زیرساختی، ارزش مشخصهٔ [پسین] مقداردهی نشده است. این مشخصه از رهگذر گسترش مشخصهٔ [پسین] مربوط به واکه مقداردهی می‌شود. بازنمایی غیر خطی این قاعده از صورت زیرساختی تا روساختی به صورت بازنمایی (۸) خواهد بود:

بازنمایی (۸)



در همگونی همخوان‌های کامی گویش لری باغملک با واکه بعد، مشخصهٔ [پسین] خودواحد می‌شود، سپس با استفاده از قاعدهٔ گسترش به همخوان بدنه‌ای ماقبل، گسترده می‌شود.

۴-۲-۴- توصیف و تحلیل داده‌ها براساس فرایند قطع

نمونه‌هایی از رخداد فرایند قطع در گویش لری باغملک به شرح زیر است:

۴-۱-۴- قطع همخوان‌های انسدادی - تیغه‌ای

گوی^{۳۵} (۱۹۹۷) حذف همخوان‌های انسدادی تیغه‌ای زبان انگلیسی را براساس محدودیت اصل مرز اجباری بررسی کرده است و اعمال اصل مرز اجباری و حذف انسدادی و تیغه‌ای را برحسب تعداد مشخصه‌های مشترکی که میان همخوان‌های انسدادی تیغه‌ای و آوای قبل از آن وجود دارد، مشخص کرده است.

۴-۲-۴- همجواری دو مشخصهٔ [تیغه‌ای، - رسا]

جدول (۶). قطع همخوان‌های انسدادی تیغه‌ای با دو مشخصهٔ [تیغه‌ای، - رسا]

صورت نوشتاری	زبان پهلوی	واج‌نویسی لری باغملک	آوانویسی لری باغملک	صورت نوشتاری	زبان پهلوی	واج‌نویسی لری باغملک	آوانویسی لری باغملک
پوست	pōst	/pust/	[pus]	پشت	pušt	/poʃt/	[poʃ]
راست	rāst	/rast/	[ras]	مشت	?	/moʃt/	[moʃ]
مست	?	/mæst/	[mæs]	گوشت	gōšt	/ʃuʃt/	[guʃ]
بیست	*	/bist/	[bis]	دزد	duz(d)	/dozd/	[doz]
ماست	māst	/mast/	[mas]	مزد	mizd	/mozd/	[moz]

همخوان‌های انسدادی تیغه‌ای /t/ و /d/ در خوشه‌های همخوانی /st/، /zd/ و /ʃt/ حذف می‌شوند، در این داده‌ها همخوان‌های /z/، /s/ و /ʃ/ با مشخصه [تیغه‌ای، - رسا] انگیزه حذف واج‌های /t/ و /d/ را که همین مشخصه را دارند، فراهم کرده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، همخوان انسدادی تیغه‌ای /d/ و /t/ در جایگاه دوم پایانه هجا پیش از یک همخوان سایشی تیغه‌ای تیز حذف شده است.

قاعده (۹)

$$\left[\begin{array}{c} \text{تیغه‌ای +} \\ \text{رسا -} \end{array} \right] \Rightarrow \emptyset / \left[\begin{array}{c} \text{تیغه‌ای +} \\ \text{رسا -} \end{array} \right] \text{---}$$

براساس نظریه خودواحد می‌توان تحلیل‌های زیر را برای داده‌های جدول (۶) به کار برد: (الف) در بازنمایی زیرساختی (۹)، قاعده پیوندی مشخصه‌های [تیغه‌ای، - رسا] را به همخوان‌های تیغه‌ای /t/ و آوای ماقبل آن گسترش می‌یابد.

بازنمایی (۹)

m	a	s	t	لایه واج
		(تیغه‌ای + رسا -)	(تیغه‌ای + رسا -)	لایه خودواحد

(ب) کاربرد اصل مرز اجباری، خودواحد‌های یکسان، یعنی مشخصه‌های [تیغه‌ای، - رسا] نباید مجاور هم باشند، از این رو یکی از آن‌ها حذف می‌شود تا اصل مرز اجباری رعایت شود، زمانی که مشخصه‌ها از لایه خودواحد حذف می‌شود، یک عنصر در لایه واج بدون مشخصه باقی می‌ماند و باعث ایجاد صورتی بدساخت می‌شود.

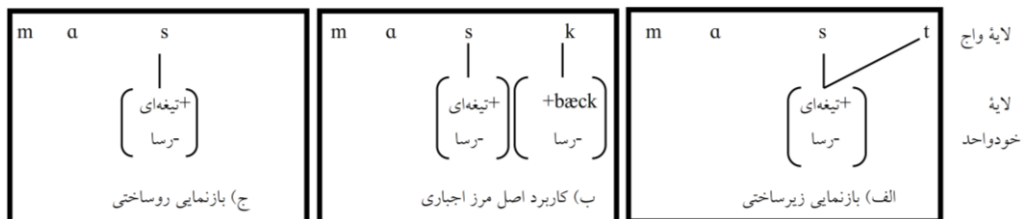
بازنمایی (۱۰)

m	a	s	t	لایه واج
		(تیغه‌ای + رسا -)		لایه خودواحد

از این رو برای جلوگیری از ایجاد صورت بدساخت سه امکان وجود دارد: (الف) عنصر باقی‌مانده بر لایه واجی گسترش یابد، این امر مستلزم این است که حضور /t/ همچنان در صورت روساختی حفظ شود که این امر در گویش لری باغملک روی نمی‌دهد. (ب) زمانی که یکی از مشخصه‌ها از لایه خودواحد حذف شدند، مشخصه دیگری جایگزین می‌شود تا از ایجاد صورت بدساخت جلوگیری شود این امر مستلزم تبدیل /t/ به آوای دیگری مثل /k/ است که در این گویش روی نمی‌دهد. (ج) با

حذف مشخصه‌ها برای جلوگیری از صورت بدساخت، هم‌زمان واحد آوایی نیز از لایه واج حذف شود.

بازنمایی (۱۱)



بازنمایی (۱۱ ج) نشان می‌دهد که حذف انسدادی تیغه‌ای /t/ در لایه واجی همراه با مشخصه‌های خود در لایه خودواحد از خوشه پایانی صورت می‌گیرد، به طوری که در لایه واج هیچ عضوی نیست که به لایه زمانمند متصل نشده باشد و در لایه خودواحد هیچ مشخصه‌ای نیست که به عنصری در لایه واج متصل نباشد.

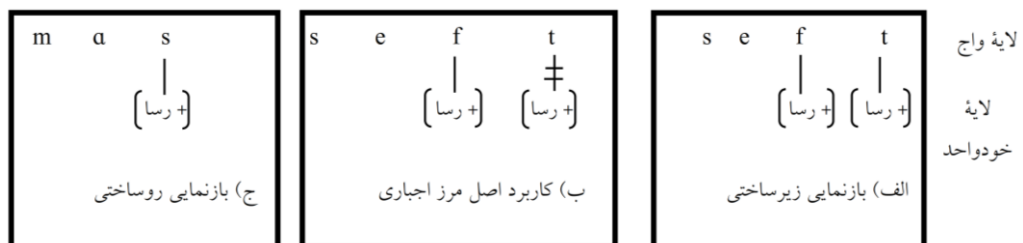
۴-۳- همجواری دو مشخصه [-رسا]

جدول (۷). حذف همخوان انسدادی تیغه‌ای /t/ در همجواری دو مشخصه [-رسا]

صورت نوشتاری	زبان پهلوی	واج نویسی لری باغملک	آوانویسی لری باغملک	صورت نوشتاری	زبان پهلوی	واج نویسی لری باغملک	آوانویسی لری باغملک
نفت	næft	/næft/	[næf]	گفت	?	/goft/	[go]
رفت	ræft	/ræft/	[ræ]	سفت	suft	/seft/	[sef]

همان‌گونه که در داده‌های جدول (۷) مشاهده می‌شود، همخوان انسدادی تیغه‌ای /t/ از جایگاه پایانه‌ی هجا قبل از همخوان سایشی غیر تیز /f/ حذف می‌شود. انگیزه حذف، اصل مرز اجباری است که از وجود دو مشخصه [-رسا] در مجاورت هم جلوگیری می‌کند و منجر به قطع مشخصه و در نتیجه حذف واحد آوایی می‌شود.

بازنمایی (۱۲)



۴-۴-۴- همجواری دو مشخصه [تیغه‌ای، - پیوسته]

جدول (۸). حذف همخوان انسدادی تیغه‌ای /d/ در همجواری دو مشخصه [تیغه‌ای، - پیوسته]

صورت نوشتاری	زبان پهلوی	واج نویسی لری باغملک	آوانویسی لری باغملک	صورت نوشتاری	زبان پهلوی	واج نویسی لری باغملک	آوانویسی لری باغملک
پند	pænd	/pænd/	[pæn]	تند	tund	/tond/	[ton]
گوسفند	gōspænd	/ʃusfænd/	[gusen]	پیوند	pærwænd	/pejvænd/	[pejvæn]
بلند	bulænd	/bolænd/	[bolæn]	فرزند	fræzænd	/færzænd/	[færzæn]
بند	bænd	/bænd/	[bæn]	دردمند	dærdōmænd	/dærdmænd/	[dærdmæn]

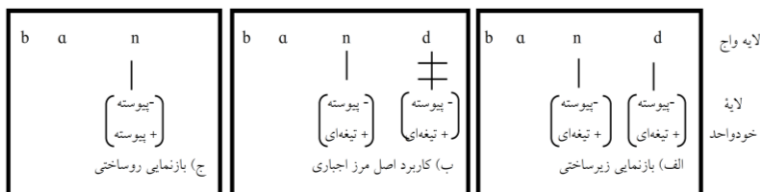
همخوان انسدادی تیغه‌ای /d/ پس از همخوان خیشومی /n/ با مشخصه [تیغه‌ای، - پیوسته] قرار گرفته است.

قاعده (۱۰)

$$\left(\begin{array}{c} - \text{ پیوسته} \\ + \text{ تیغه‌ای} \end{array} \right) \rightarrow \emptyset / \left(\begin{array}{c} - \text{ پیوسته} \\ + \text{ تیغه‌ای} \end{array} \right) \text{ —}$$

براساس نظریه خودواحد اشتقاق کلمه «بند» از زیرساخت تا روساخت به صورت بازنمایی (۱۳) است.

بازنمایی (۱۳)



بنابراین هرچقدر مشخصه‌های مشترک میان /d/ و /t/ و آوای پیش از آن بیشتر باشد، همخوان‌های /d/ و /t/ براساس اصل مرز اجباری تحت تأثیر فرایند حذف قرار می‌گیرند. آوایی که پیش از همخوان‌های انسدادی تیغه‌ای /d/ و /t/ قرار می‌گیرند عبارت‌اند از: سایشی‌های تیز، سایشی‌های غیر تیز و خیشومی‌ها. در این میان سایشی‌های تیز و خیشومی‌ها (به دلیل داشتن ویژگی مشترک بیشتر با همخوان‌های /d/ و /t/) بیش از سایشی‌های غیر تیز محیط حذف این همخوان‌ها را فراهم می‌کنند؛ از این رو به نظر می‌رسد گویشوران در خوشه /ft-/ بیشتر از خوشه /st-/ عمل حذف را انجام می‌دهند. در میان رده‌بندی‌ای که هاروکا (۱۹۹۹) از لحاظ تأثیر اصل مرز اجباری بر مشخصه‌ها در زبان‌های مختلف انجام داده بود، گویش لری باغملک در رده چهارم قرار دارد و حذف مشخصه‌ها به همراه حذف کل واحد آوایی صورت می‌گیرد.

۴-۵- قطع همخوان چاکنایی میانی و کشش جبرانی

کشش جبرانی به‌مثابه کشش یک واحد واجی تعریف می‌شود که حاصل حذف یا کوتاه‌شدگی واحد واجی مجاور است. در گویش لری باغملک، همخوان‌های چاکنایی میانی /h/ و /ʔ/ حذف می‌شوند و واکه پیش از آن تحت تأثیر فرایند کشش جبرانی قرار می‌گیرد که با علامت (: نشان داده می‌شود. در جدول زیر چند نمونه از حذف همخوان چاکنایی میانی و کشش جبرانی واکه پیشین آن ذکر شده است.

جدول (۸). حذف همخوان چاکنایی و کشش واکه مجاور

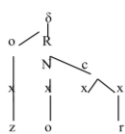
صورت نوشتاری	زبان پهلوی	واج‌نویسی لری باغملک	آوانویسی لری باغملک	صورت نوشتاری	زبان پهلوی	واج‌نویسی لری باغملک	آوانویسی لری باغملک
صبح	؟	/sobh/	[so:v]	اهمیت	؟	/æhmijæt/	[ʔæ:mijæt]
احتکار	؟	/ehtecar/	[e:tekar]	شعر	؟	/ʃeʔr/	[ʃe:r]
ظهر	*	/zohr/	[zo:r]	اعظم	؟	/æzæm/	[ʔæ:zæm]
شهربانو	؟	/ʃæhrbanu/	[ʃæ:ræban]	اعلام	؟	/eʔlam/	[ʔe:lɑm]
تحلیل	؟	/tæhlil/	[tæ:lil]	معبد	؟	/mæʔbæd/	[mæ:bæd]
تحقیر	؟	/tæhqir/	[tæ:qir]	تعبیر	؟	/tæʔbir/	[tæ:bir]

قاعده (۱۱)

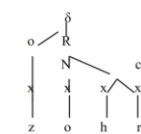
$$h, \text{ʔ} \rightarrow \emptyset / \text{V} \quad \underline{\quad} \overset{\text{X}}{\quad}$$

براساس قاعده بالا همخوان‌های چاکنایی، از پایانه هجا حذف می‌شوند؛ اما جایگاه زمان‌مند آن در لایه مبنا برجای می‌ماند. این قاعده باعث می‌شود تا زمینه برای فرایند کشش واکه ماقبل فراهم شود، در اصطلاح کشش جبرانی را تغذیه می‌کند. به‌این ترتیب که در جایگاه زمان‌مند حاصل از حذف همخوان چاکنایی به هیچ عنصری در لایه واج متصل نیست و فرایند کشش آن واحد زمان‌مند را به عنصری در لایه واج متصل می‌کند. بازنمایی (۱۴) مراحل اشتقاق کلمه [zohr] را از زیرساخت تا روساخت نشان می‌دهد.

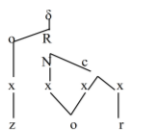
بازنمایی (۱۴)



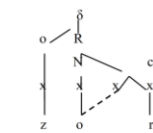
(ب) اعمال قاعده حذف همخوان چاکنایی



(الف) بازنمایی زیرساختی



(د) بازنمایی روساختی



(ج) اعمال قاعده کشش جبرانی

نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که کشش جبرانی در هجاهایی روی می‌دهد که هسته آن‌ها دارای یکی از واکه‌های کوتاه *e*، *æ* و *o* باشد. چون این واکه‌ها کوتاه هستند، یعنی در لایه مبنا یک جایگاه زمان‌مند را به خود اختصاص می‌دهند و طی فرایند کشش جبرانی به دو جایگاه زمان‌مند گسترش می‌یابند. واکه‌های *i*، *u* و *a* واکه‌های کشیده هستند؛ یعنی دو جایگاه زمان‌مند در لایه مبنا دارند و از آنجاکه در زبان فارسی و نیز گویش لری باغملک واکه‌ها حداکثر می‌توانند به دو جایگاه زمان‌مند متصل شوند، بنابراین واکه‌های کشیده *i*، *u* و *a* قابلیت شرکت در فرایند کشش جبرانی را ندارند.

۵- نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر برخی از فرایندهای تضعیف نظیر سایشی‌شدگی، همگونی، حذف و کشش جبرانی براساس تقسیم‌بندی کول (۲۰۰۸) از فرایند تضعیف و تقویت و اصول واج‌شناسی خودواحد براساس تقسیم‌بندی مک‌کارتی (۱۹۸۸) در گویش لری باغملک در چارچوب واج‌شناسی خودواحد بررسی شد؛ در این راستا، داده‌هایی که از طریق ضبط آزاد، ارائه پرسش‌نامه به گویشوران و نیز با استفاده از کتاب‌های مرتبط جمع‌آوری شده بود، بررسی شد؛ سپس مبانی نظری معرفی و روش پژوهش مناسب برای تحلیل داده‌ها اتخاذ شد. پس از تحلیل داده‌ها چندین نوع فرایند گسترش و قطع مشاهده شد؛ اولین فرایند گسترش مطرح شده سایشی‌شدگی بود که تناوب بین همخوان *[b]* و همخوان‌های *[v]* و *[f]* است، تفاوت این واج‌ها در مشخصه نحوه تولید پیوسته است. این مشخصه ذاتی واکه‌ها است؛ بنابراین می‌تواند به صورت خودواحد درآمده و در لایه‌ای جداگانه قرار گیرد و از واکه به همخوان */b/* گسترده شود و آن را به همخوان‌های *[v]* و *[f]* تبدیل کند.

فرایند گسترش بعدی که بررسی شد، همگونی بود که به صورت تناوب بین دو همخوان *[n]*~*[m]* مطرح شد، این نوع تناوب از نوع همگونی پیشرو و ناقص است، هرگاه پس از خیشومی */n/* انسدادی */b/* قرار گیرد که دارای مشخصه اندام تولیدی لبی است، */n/* در این مشخصه با همخوان پس از خود همگون و به همخوان */m/* تبدیل می‌شود؛ یعنی مشخصه خودواحد تیغه‌ای از گره دهانی مسلط بر آن، قطع شده و مشخصه لبی همخوان بعد به آن (گره دهانی در همخوان خیشومی) گسترده می‌شود و هم به صورت تناوب بین دو همخوان *[q]*~*[χ]* در مجاورت با همخوان‌های گرفته و بی‌واکی مانند */t/*، */s/*، */f/* و */j/* در این همگونی مشخصه [-واک] از همخوان‌های */t/*، */s/*، */f/* و */j/* به همخوان واک‌دار *q* گسترده می‌شود. در واقع مشخصه [-واک] به صورت یک خودواحد عمل کرده و در لایه مستقل جای می‌گیرد، در گویش لری باغملک همگونی همخوان‌های کامی با واکه بعد، مشخصه [پسین] خودواحد

می‌شوند، سپس با استفاده از قاعده گسترش به همخوان بدنه‌ای ماقبل، گسترده می‌یابد. فرایند قطع مورد بررسی در این پژوهش، حذف همخوان‌های /d/ و /t/ براساس اصل مرز اجباری بود. در میان رده‌بندی‌ای که هاروکا (۱۹۹۹) از لحاظ تأثیر اصل مرز اجباری بر مشخصه‌ها در زبان‌های مختلف انجام داده بود، گویش لری باغملک در رده چهارم قرار دارد؛ زیرا حذف مشخصه‌ها به همراه حذف کل واحد آوایی صورت می‌گیرد. حذف دیگری که در این گویش روی می‌دهد حذف همخوان چاکنایی است که منجر به اعمال فرایند کشش جبرانی می‌شود. به‌طور عمده کشش جبرانی زمانی رخ می‌دهد که واکه دو جایگاه زمان‌مند را به خود اختصاص دهد، مانند /ʃæhr/ ← [ʃæ:r] «شهر» و /ʃeʔr/ ← [ʃe:r] «شعر». در نهایت، بررسی و تحلیل داده‌ها نشان داد که واج‌شناسی غیر خطی خودواحد، از کفایت توضیحی لازم برای تبیین و بازنمایی فرایندهای واجی سایشی‌شدگی، همگونی، حذف و کشش جبرانی در گویش لری باغملک برخوردار است.

منابع

- بارانی، احمد (۱۳۹۱). گویش لری از واج تا جمله. تهران: ترفند.
- پرمون، یدالله (۱۳۷۶). نظام آوایی گونه کرمانی از دیدگاه واج‌شناسی جزء مستقل و زایشی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- پوراصفهان‌ی، آیدا و طیبه فاتحیان (۱۳۸۹). بررسی فرایندهای واجی در گونه مشهدی براساس واج‌شناسی خودواحد. در: ابراهیم کنعانی، مجموعه مقالات نخستین همایش بین‌المللی گویش‌های مناطق کویری ایران (صص ۱۶۴۷-۱۶۷۸). سمنان: دانشگاه سمنان.
- جم، بشیر و احمد ذلقی (۱۳۹۲). بررسی تبدیل واکه /u/ به [i] در گویش لری سیلاخوری در چارچوب نظریه بهینگی. پژوهش‌های زبانی (دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران)، ۴ (۲)، ۲۱-۴۰.
- حسن دوست، محمد (۱۳۸۹). فرهنگ تطبیقی - موضوعی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نو. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- خلیفه‌لو، سید فرید و منصوره دلارامی‌فر (۱۳۹۴). خوشه دوهمخوانی آغازین در گویش سیستانی از دیدگاه واج‌شناسی خودواحد. فصلنامه مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران، ۱ (۸)، ۳۹-۶۲.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۳). رده‌شناسی زبان‌های ایرانی. تهران: سمت.
- رضایی، والی و مریم امانی بابادی (۱۳۹۲). نمود دستوری در گویش لری بختیاری. مطالعات زبان و گویش‌های غرب. ۱ (۳)، ۱۳۹-۱۵۷.
- صادقی، وحید (۱۳۷۹). تجزیه و تحلیل فرایندهای واجی در گویش فارسی تهرانی براساس واج‌شناسی خودواحد.

پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران.

کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه (۱۳۷۹). *واج‌شناسی خودواحد و کاربرد در فرایندهای واجی زبان فارسی*. پایان‌نامه دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران.

----- (۱۳۸۵). *واج‌شناسی: رویکردهای قاعده‌بنیاد*. تهران: سمت.

-----؛ اردشیر ملکی مقدم و آرزو سلیمانی (۱۳۹۱). مقایسه فرایندهای واجی همخوان‌های

گونه لری بالاگریوه با فارسی معیار. *جستارهای زبانی*، ۴ (۱۳)، ۱۷۹-۱۵۱.

کریمی، سلطان‌علی (۱۳۹۵). *باغملک در گذر زمان (آثار، بناها، قلعه‌ها و طوایف)*. اهواز: الیما.

کلباسی، ایران (۱۳۸۸). *فرهنگ توصیفی گویش‌های زبان ایران*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

محمدابراهیمی، زینب و پروین م. عبدی (۱۳۹۱). *توصیف گروه‌های اسمی در گونه لری خرم‌آبادی*. پژوهش‌های زبان‌شناسی، ۴ (۶)، ۸۱-۹۶.

مکنزی، دیویدنیل (۱۳۷۹). *فرهنگ کوچک زبان پهلوی*. مترجم: مهشید میرفخرایی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مهدوی، فرشته (۱۳۸۹). *بررسی همگونی واجی در گونه اصفهانی براساس نظریه خودواحد*. در: ابراهیم کنعانی، *مجموعه مقالات نخستین همایش بین‌المللی گویش‌های مناطق کویری ایران (صص ۲۰۵۳-۲۰۶۶)*. سمنان: دانشگاه سمنان.

میکده، اعظم (۱۳۹۵). *فرایندهای واجی همخوانی در گونه فریمانی برپایه واج‌شناسی خودواحد*. *نشریه ادب و زبان، دانشگاه شهید باهنر کرمان*، ۱۹ (۴۰)، ۳۲۱-۳۴۶.

Clements, G. N. (1985). The Geometry of Phonological Features. *Phonology Yearbook*, 2, 225-252.

Crystal, D. (2008). *A Dictionary of Linguistics and Phonetics*. 3rd Edition. Cambridge, MA: Basil Blackwell.

Goldsmith, J. (1976). An Overview of Autosegmental Phonology. *Linguistic Analysis*, 2, 23-68.

Guy, G. R. & Ch. Boberg (1997). Inherent variability and the obligatory contour principle. *Language variation and change*, 9 (2), 149- 164.

Halle, M. (1992). *The Russian declension: An illustration of distributed morphology*. To appear in *The organization of phonology: Features and domains*. CSLI, Stanford University.

Hardcastle, W. J. & J. Laver, (1997). *The Handbook of Phonetic Sciences*. Blackwell.

Haruka, F. (1999). *Theoretical Implications of OCP Effects on Features in Optimality Theory*. Ph.D. dissertation, University of Maryland.

Jensen, J. T. (2004). *Principle of generative phonology: An introduction*. Amsterdam:

John Benjamine.

Kenstowicz, M. (1994). *Phonology in generative grammar*. Oxford: Blackwell Publishers.

----- & C. Kisseberth (1979). *Generative Phonology*. New York: Academic Press.

Kul, M. (2007). *The Principle of Least Effort within the Hierarchy of Linguistic Preferences: External Evidence from English*. Ph.D. dissertation, Poznan, Adam Mickiewicz University.

McCarthy, J. (1988). Feature Geometry and Dependency: A Review. *Phonetic*, 45 (2-4), 84-108.

Yip, M. (1988). The Obligatory Contour Principle and Phonological Rules: A Loss of Identity. *Linguistic Inquiry*, 19 (1), 65-100.

